



بانک حاضر شد دوباره پول بیاورد و باز مشارکت کنیم. با همین روش، سه بار این فرمول مشارکت را با بانک تکرار کردیم. بعد از دوازده سال کاری که در مترو انجام شد، ۲/۵ میلیون مترمکعب بتن ریزی، ۴۰ کیلومتر تونل، ۵۳ ایستگاه، ۶۰ کیلومتر مسیر از رو، ۵۰۰ هزار مترمربع پناهگاه، مراکز تجاری، ساختمان‌های اداری، مجتمع‌های مسکونی و پروژه اجرایی و همچنین ۸۰۰ هکتار زمین استملاک و اکتشاف معدن را انجام داده بودیم



وصول طلب ۲۳ میلیون دلاری ایران از لهستان

در یکی از جلسات متوجه شدیم که جمهوری اسلامی ایران از محل بهره وام پرداختی به کشور لهستان که در دهه ۵۰ پرداخت شده بود، رقمی حدود ۱۵ میلیون دلار طلبکار است، اما در مذاکرات متوجه شدیم این رقم ۲۳ میلیون دلار است که توانستیم وصول کنیم

بود که این را به ۷۰۷ میلیون دلار کاهش دادم و با هزینه‌های بانکی و بیمه و حمل‌ونقل و قطعات یدکی و آموزش ۸۴۸ میلیون دلار شد که همه آنها را فاینانس کردیم با نرخ لایبر به اضافه ۶۵ صدم درصد و گریس‌پریود (زمان تنفس) سه‌ساله و بازپرداخت هفت‌ساله که همه اینها الحمدلله انجام شد و LCها را هم باز کردیم. LCها در زمان من باز شد.

صادرات نفت کوره

یک شب حوالی ساعت ده شب آقای هاشمی‌رفسنجانی تلفن زدند و فرمودند، آقای آقازاده طرحی را به جلسه سران قوا آورده که حدود ۱/۴ میلیون تن نفت کوره حوضه‌های خاکی اصفهان را آتش بزنند. بلافاصله گفتیم: این کار خطاست و می‌توانیم این نفت کوره‌ها را صادر کنیم. ایشان گفت: نفتی‌ها می‌گویند قیمت فروش جواب هزینه‌های حمل و صادرات

کوره و اجرای پروژه برای دستگاه‌های دیگر مانند بانک‌ها، دانشگاه‌ها و مؤسسات مختلف درآمدزایی و در مترو هزینه می‌کردیم. با این روش آورده خودمان را زیادتر می‌کردیم؛ لذا وقتی در سال ۱۳۷۶ برکنار شدم و می‌خواستیم کار را تحویل بدهم، ۶۵۰ میلیارد تومان ارزش سرفق‌لی مراکز تجاری و زمین‌های مازاد حاشیه‌ای طرح‌های ما بود. کل پولی که من در دوازده سال از نظام بانکی گرفته بودم ۸۶ میلیارد تومان بود و تمام اسناد مالکیت با قراردادها و قول‌نامه‌های واگذاری سرفق‌لی اش به بانک‌ها را من انجام دادم و مناقصات را من برگزار کردم. مناقصات بین‌المللی زیادی برای واکن‌ها، پله‌برقی، آسانسور، سیستم تهویه تعمیرگاه‌ها، برق فشار قوی، برق فشار ضعیف، روشنایی، کنترل مخابرات و سیگنالینگ برگزار کردیم. در مناقصات اولیه که به ارزش ۳/۲ میلیارد دلار بود، زیمنس برنده شده

بررسی جلد نخست کتاب سال‌های بی‌حصار از خاطرات اصغر ابراهیمی اصل به دوره مدیریت وی بر مترو تهران رسید و ابراهیمی توضیح داد که چگونه زیربنای ساخت مترو و تأمین تجهیزات و نیروی انسانی و ... گذاشته شد. وی همچنین از خریدهای خارجی برای مترو تهران گفت و

عنوان کرد که در ابتدا برخی در داخل کشور نیز با ساخت مترو تهران مخالف بودند و علناً نیز این مخالفت‌ها را بیان می‌کردند. با این حال، ساخت مترو در دهه ۶۰ کلید خورد و کار حفر تونل‌ها و تأمین تجهیزات تخصصی و فنی آن هم صورت گرفت.

گرانیت در کلاردشت را اکتشاف کردیم. این معدن ظرفیت ذخیره‌ای یک میلیارد تن را دارا بود که اگر سالی یک میلیون تن از آنجا بهره‌برداری شود برای هزار سال ظرفیت ذخیره دارد. ما این معدن را به نام مترو گرفتیم. معدن سنگ‌آهن تنگ زاغ بندرعباس و معدن دیاکومیت ممقان را هم اکتشاف کردیم. در واقع از طریق معدن درآمد زیادی کسب کردیم. از طریق صادرات نفت کوره مازاد حوضه پالایشگاه اصفهان هم درآمد زیادی به دست آوردیم. در آنجا ۶۰ میلیون دلار درآمد کسب کردیم. از طریق صادرات قطران، ترانزیت نفت

شما ولی ما الان ۲۴ میلیارد تومان دارایی داریم و این آورده ماست. بانک حاضر شد دوباره پول بیاورد و باز مشارکت کنیم. با همین روش، سه بار این فرمول مشارکت را با بانک تکرار کردیم. بعد از دوازده سال کاری که در مترو انجام شد، ۲/۵ میلیون مترمکعب بتن ریزی، ۴۰ کیلومتر تونل، ۵۳ ایستگاه، ۶۰ کیلومتر مسیر از رو، ۵۰۰ هزار مترمربع پناهگاه، مراکز تجاری، ساختمان‌های اداری، مجتمع‌های مسکونی و پروژه اجرایی و همچنین ۸۰۰ هکتار زمین استملاک و اکتشاف معدن را انجام داده بودیم. مثلاً معدن سنگ

درآمدزایی مترو و کاهش هزینه‌ها در سه سال اول به‌رغم کار شبانه‌روزی برای حفر تونل‌ها و ساختن ایستگاه‌ها، زمین‌ها و خانه‌هایی که خریدیم و پروژه‌هایی که اجرا کردیم، کارشناسان بانک آمدند و با دید بسیار بدبینانه‌ای ارزش کار ما را ۳۰ میلیارد تومان ارزیابی و گزارش دادند. بانک پنج میلیارد تومان وام داده بود و ۱/۲ میلیارد تومان سود مورد انتظارش می‌شد. ما ۳۰/۲ میلیارد تومان هم زمین، سرفق‌لی، امکانات و معدن داشتیم؛ بنابراین با بانک وارد بحث جدی شدیم و گفتیم حالا این ۶/۲ میلیارد برای

کتاب

تلفن شبانه هاشمی‌رفسنجانی به مدیرعامل مترو

یک شب حوالی ساعت ده شب آقای هاشمی‌رفسنجانی تلفن زدند و فرمودند آقای آقازاده طرحی را به جلسه سران قوا آورده که حدود ۱/۴ میلیون تن نفت کوره حوضه‌های خاکی اصفهان را آتش بزنند. من بلافاصله گفتم: این کار خطاست و می‌توانیم این نفت کوره‌ها را صادر کنیم. ایشان گفت: نفتی‌ها می‌گویند قیمت فروش جواب هزینه‌های حمل و صادرات را نمی‌دهد. گفتیم: اشتباه می‌کنند، این نفت کوره‌ها را به مترو بدهید، ما صادر می‌کنیم و از درآمد حاصله بخشی از هزینه‌های مترو را تأمین می‌کنیم. آقای هاشمی فرمود: پس سریع بیا ریاست جمهوری. من رفتم و اسم من را داده بودند. در جلسه بحث شد که ضد انقلاب حوضه‌های نگهداری نفت کوره مازاد بر حجم مخازن فلزی تهران را که در حوضه‌های خاکی بوده، آتش زده و در تهران باران سیاه آمده است. در اصفهان هم این خطر وجود دارد و هواپیماهای عراقی هم این نقطه را شناسایی کرده و از ارتفاع بالا به دفعات از روی این حوضه‌ها به پالایشگاه و نیروگاه اصفهان حمله کرده‌اند و وزارت نفت مجوز می‌خواهد که به طور کنترل شده این نفت کوره‌ها را آتش بزنند. گفتم: اگر این نفت کوره‌ها را به مترو بدهید، حاضرم آنها را صادر کنم و از درآمد حاصله بخشی از هزینه‌های مترو را تأمین کنم. پرسیدند: می‌خواهی چه کار کنی؟ گفتم: اولاً منطقه را با پاشش خاک‌رس استتار می‌کنم، بعد با درصدی گازوییل حدود ۵ تا ۶ درصد ویسکازیتی نفت کوره را تقلیل می‌دهم و با تانکر به بندرعباس می‌برم و برای سوخت کشتی‌ها به صورت بانکرینگ می‌فر و شم.

